

پارادایم آموزش و ترویج شبکه ای و تکثرگرا منابع طبیعی

علی اصغر قاسمی^۱، منصور شاه ولی^۲

tehrana40@yahoo.com

مقدمه

آموزش، ترویج و توسعه فرهنگ منابع طبیعی فعالیت های مستمری است به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در دانش، بینش و رفتار مردم، بهره برداران و مجریان طرح ها و تسهیل مشارکت آنان در فرآیند برنامه های حفاظت، احیاء، توسعه و بهره برداری اصولی و پایدار از جنگل، مرتع، بیابان و حوزه های آبخیز کشور. مسلماً، دستیابی مطلوب به دستاوردهای فوق نیازمند تعریف و تدوین برنامه ای منسجم، کارآمد و همسو و هماهنگ با سایر فعالیت ها و برنامه های محوری مدیریت شبکه ای و تکثرگرا منابع طبیعی با نگاه پارادایمی می باشد که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است.

فلسفه آموزش و ترویج شبکه ای و تکثرگرا منابع طبیعی

به طور کلی، اگر انسان آموزش دیده، تنها دارای بینش و تفکر علمی باشد، صرفاً با تاکید بر "نمود" خویشتن خواهان آن است تا مشکلات پیچیده حوزه منابع طبیعی را رفع کند. این درحالی است که به نهاد خود، آینده و انتظارات و آرزوهای وی و جامعه توجه ای نخواهد داشت. اما با داشتن تفکر فلسفی در کنار بینش علمی برای چالش با محیط در حال تغییر خود را مهیا می سازد، تا بطور حکیمانه ترسیم روند انتظارات و آرزوهای بشری و ماورایی را نیز مورد توجه قرار دهد و تلاش خواهد کرد تا به شناخت عمیق تری از واقعیات دست پیدا کند. همچنین، آمادگی لازم برای روبرو شدن با مشکلات تخریب سرزمین، تغییر اقلیم، بحران آب، نا امنی غذایی و اکولوژیکی و فقر فرهنگی، مادی، دینی و غیره را دارد (شاه ولی، ۱۳۹۲).

با روشن شدن تفاوت بینش علمی و فلسفی، تبیین فلسفه آموزش و ترویج شبکه ای و تکثرگرا منابع طبیعی بهتر معلوم می گردد. بطور کلی، فلسفه آموزش و ترویج در هر حوزه از جمله منابع طبیعی، دارای یک نظام خاص نیست. بلکه از مطالعه و تجزیه و تحلیل مشکلات، مسائل و علایق متناقض حاکم بر عرصه های منابع طبیعی سرچشمه می گیرد. با توجه به فلسفه آموزش و ترویج در جامعه، معیارهای روشن و مشخص کننده ای برای تعیین خط مشی های اساسی و انتخاب اهداف کلی و جزئی نظام آموزشی جامعه به دست می آید. زیرا نتیجه کلی داشتن یک مبنای فلسفی

روشن و اعتقاد به اصول آن برای یک نهاد، این است که از تلف شدن اوقات گرانبهای عمر نسل های یک جامعه و منابع مادی و معنوی آنها، جلوگیری به عمل آورد. بنابراین، فلسفه آموزش و ترویج بویژه در این مطالعه، باید روشن نماید که چرا در جوامع مختلف، افراد برای اهداف متفاوت آموزش می بینند؟ هدف غایی از آموزش و ترویج صیانت از منابع طبیعی چیست؟ آیا هدف غایی افراد از این آموزش و ترویج یکی است؟ آیا مخاطبان مختلف این حوزه باید آموزش و ترویج یکسان ببینند؟ آیا آموزش آنها باید عمومی یا تخصصی باشد؟ آیا آموزش آنها باید نظری یا عملی باشد؟ آیا آموزش آنها باید فنی یا اعتقادی باشد؟ و سؤال کلیدی این است که چرا باید از ظرفیت همه دست اندرکاران و ذینفعان برای آموزش و ترویج صیانت از منابع طبیعی استفاده کرد؟ به این ترتیب فلسفه آموزش و ترویج صیانت از منابع طبیعی باید دارای ویژگی های زیر باشد.

تلفیقی از اصول علمی و معرفتی باشد.

اهداف غایی (مادی و معنوی) آموزش را باید مشخص نماید.

راه عملی ساختن اهداف آموزش را باید نشان دهد.

بررسی جایگاه فلسفه در آموزش و ترویج شبکه ای و تکثرگرا منابع طبیعی در حال حاضر گویای آن است که متأسفانه در آموزش و ترویج صیانت از منابع طبیعی اصولاً به فلسفه آموزش و ترویج کمتر توجه می شود و برنامه های آموزشی و ترویجی عمدتاً با بینش صرف علمی طراحی و اجرا می شوند. همچنین، اگر فعالیت آموزشی و ترویجی در این زمینه انجام گرفته است، غالباً با فلسفه ایده آلیسم یا رئالیسم و نهایت امر پراگماتیسم است (حجازی، ۱۳۸۵). این مکاتب در آموزش و ترویج فقط به نمود انسان و محسوسات توجه می کنند و به نهاد انسان توجه ای ندارند و بنابراین نمی توانند به اهداف غایی مادی و معنوی آموزش و ترویج دست پیدا کنند. در حالی که فلسفه اسلام برای آموزش و ترویج این است که انسان ها باید آموزش ببینند تا به تکلیف خود واقف شوند که در غیر این صورت در محدوده عقل و علم تجربی خود عمل خواهند نمود (شاه ولی، ۱۳۹۲).

پارادایم آموزش و ترویج شبکه ای و تکثرگرا منابع طبیعی